



فوبیا

طاهره مددیان پاک

از ترس بیزارم
از ترس از گربه
از اینکه باشم هی
از دلهره، مرده
دست خودم نیست این
ترسی که من دارم
هرچند گفت آن روز
خانوم دکتر هم
اما نمی‌دانم
باز از چه غمگینم
مانند یک صخره
از غصه سنگینم
در هر خیابانی
یک عالمه گربه‌ست
هم در پیاده‌رو
هم کوچه بن‌بست
این فوبیا دیگر
دیوانه‌ام کرده
در من، نترسیدن
باید که برگرده!

لطفا بیا

مریم رزاقی چمازکتی

من دیده‌ام
سنگ تپل
قایم شده
در پشت گل
رفتم جلو
فوری پرید
تند و سریع
او می‌دوید
از پیش من
رفتی چرا؟
ای گربه جان!
لطفا بیا

مثل تصنیف باد

محسن اعلا

تو برایم شنیدنی هستی
مثل آهنگ آبشاران، رود
مثل تحریر بلبلان در باغ
مثل تصنیف باد رازآلود
زندگی با تو می‌شود دلخواه
زندگی با تو می‌شود شیرین
صحن این خانه از تو می‌گیرد
رنگ و بوی معطر نسرين
بی تو اما تمام این لحظات
با سکوتی سیاه همراه است
روی این لحظه‌های پرتشویش
جای پای هزارها آه است
بار دیگر به سوی من برگرد
ای بهار خوش خیال‌انگیز
تا شود باغ شور و شوق من
از صدای پرندگان لبریز

به خاطر تو

افسانه شعبان نژاد

پرنده در خیال من تویی
تویی که می‌پری
مرا به دور دست دور می‌بری
و واژه‌های شعر من
همیشه با نوک تو چیده می‌شود
درخت و کوه و رود و آسمان
به خاطر تو توی دفترم
قصیده می‌شود

*از کتاب «پرنده‌های شعر من»



منبع : ebay.com